

## فرشته و نقش آن در امداد الهی از منظر مفسران

محمدتقی شاکر\*

محمود قیومزاده\*\*

### چکیده

فرشته در جهان بینی قرآن دارای نقش و جایگاه مهمی است. آنچه این نگاشته بدان می‌پردازد، مسئله امداد مومنان در نبردها و نصرت الهی به وسیله فرشتگان است. از این رو در مقاله پیش رو پس از مفهوم‌شناسی مَلِک، به تبیین مفهوم امداد و گونه‌های معرفی شده از آن در آیات پرداخته و سپس شان نزول آیات ۱۲۴ و ۱۲۵ آل عمران و آیه نهم انفال و چگونگی امداد فرشتگان و کیفیت آن و اختلاف دیدگاه‌های مطرح در این مسئله مورد بررسی قرار گرفته است. امکان حضور و نبرد فرشتگان با دشمنان و انحصار یا عدم انحصار آن به نبردهای صدر اسلام و تحقق امداد الهی توسط فرشتگان در طول حیات مومنان و استمرار آن از جمله مباحثی است که مطابق مبانی قرآنی و روایی بر محور تفاسیر قرآن پی‌گیری و به این نتیجه نزدیک شده است که مانعی مبنایی بر تحقق این گونه امداد و استمرار نصرت الهی، در طول حیات بشر وجود ندارد.

### واژگان کلیدی

آیات ۱۲۴ و ۱۲۵ آل عمران، آیه ۹ انفال، امداد فرشتگان، حضور فرشتگان.

14mt.shaker@gmail.com

maarefteacher@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۹/۲۱

\*. دانشجوی دکتری دانشگاه قرآن و حدیث. (نویسنده مسئول)

\*\* دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۱۹

### طرح مسئله

در جهان‌بینی قرآن فرشته دارای نقش و جایگاه مهم است. فرشته پیوسته مظهر کمال و زیبایی و یادآور قداست و پاکی است. خداوند در کلام خود از آنان به «عباد الرحمن»، «عباد مکرمون»، «مدبرات امر» یاد فرموده و به آنان سوگند خورده و نام آنان را در کنار نام خود ذکر نموده است و مورد خطابشان قرار داده و با آنان سخن گفته است و ایمان به وجود این موجودات غیبی را در ردیف ایمان به خود و رسولانش واجب شمرده است. (بنگرید به: بقره / ۹۸ و ۲۸۵؛ نساء / ۱۳۶) از این رو در نگاه اندیشمندان اسلامی و به‌ویژه فلاسفه و عرفا به شناخت فرشته و جایگاه آن، بسیار اهمیت داده شده است. به‌عنوان نمونه، در جهان‌شناسی سینوی شناخت جهان کاملاً به فرشته‌شناسی متصل است، و فرشته هم در جهان‌شناسی و هم در سیر و سلوک معنوی و وصول به معرفت و وظیفه دستگیری و نجات‌بخشی دارد. (بنگرید به: ابن‌سینا، ۱۴۰۰: ۱ / ۹۰؛ همو، ۲ / ۶۴، ۷۹، ۱۴۰ - ۱۳۹، ۲۷۸ - ۲۷۷ و ۳۳۷ - ۳۳۶؛ همو، ۱۳۲۶: ۶۷ - ۶۶ و ۱۱۳؛ همو، ۱۳۶۳: ۱۰۳) سهروردی نیز فرشته را هم نگاهدارنده این جهان و وسیله و ابزار معرفت می‌داند و هم چیزی که آدمی می‌خواهد به آن برسد و در این زندگی زمینی پیوسته در صدد یافتن آن است. (سهروردی، ۱۳۷۵: مقدمه / ۳۷ - ۳۶؛ همو، ۳ / ۴۱۱ و ۴۴۳ - ۴۲۹) از نگاه اشراقیان افزون بر جبرئیل که محافظ تمام نوع بشر است، هر فردی، فرشته محافظ خاصی دارد که در جهان فرشتگان مقیم است؛ زیرا هر نفس پیش از فرود آمدن به خطه بدن در خطه فرشتگان منزل داشته است. هنگام داخل شدن به بدن، نفس یا هسته مرکزی آن که غیر مادی و ملکوتی است به دو نیمه تقسیم می‌شود، که یکی در آسمان باقی می‌ماند و دیگری به زندان یا قلعه بدن فرود می‌آید. (بنگرید به: همو، ۳ / ۳۲۳ - ۳۲۰؛ نصر، ۱۳۸۵: ۷۷)

آنچه این نگاه‌ها در میان مسائل فراوان مرتبط با فرشتگان به بیان و تحقیق درباره آن می‌پردازد، مسئله‌ای با عنوان امداد مؤمنان توسط ملائکه الهی در نبردها و نصرت محقق شده الهی به‌وسیله فرشتگان است، که قرآن از آن سخن گفته است. شاید همچنان که انگاره عمومی شهادت می‌دهد، نقش ملائکه تنها در حیات معنوی انسان در دنیا به‌ویژه در ارتباط با انبیا تصویر و خلاصه می‌شود و همچنین نقش و حضور پر رنگ فرشتگان در هنگام مرگ و پس از آن در اذهان بیشتر مأنوس است. اما قرآن به مسائلی مستور و کارکردهایی متفاوت از ارتباط ملائکه با انسان و نقش آنها در حیات مادی و معنوی او خیر می‌دهد. این نوشتار در ادامه با تعریف لغوی و اصطلاحی مَلَك و تبیین معنای امداد و دسته‌بندی و مروری اجمالی بر آیاتی که به موضوع ملائکه مربوط است، به این سوالات پاسخ خواهد داد؛ کدامین آیات الهی دلالت بر مسئله امداد شدن مؤمنان توسط ملائکه دارد؟

در آیات قرآن نقش ملائکه چگونه تبیین شده است؟ آیا ملائکه با حضور جسمانی در نبردها شرکت نموده و مشاهده شده‌اند؟ در صورت حضور، آیا فرشتگان به نبرد و قتال با دشمنان پرداخته‌اند؟ این امر چگونه محقق شد و دیدگاه روایات و تفاسیر در این باره چیست؟ آیا این حضور و نبرد امری اختصاصی به نبردی خاص بوده یا مسئله‌ای عمومی و قابل تکرار است؟

## مفهوم‌شناسی ملک

### الف) در لغت

از آنجا که مباحث مطرح در کیفیت امداد ملائکه پیوند با گونه نگرش در ماهیت فرشته دارد لازم است مفهوم این واژه تبیین گردد.

ملائکه، جمع و واحد آن ملک است. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۵ / ۳۸۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱ / ۱۰۳) ترجمه فارسی ملک فرشته است که به آن سروش هم گفته می‌شود. بررسی واژه فرشته در عربی، فارسی، انگلیسی، آرامی و ... نشان می‌دهد با وجود پراکندگی جغرافیایی و فاصله زمانی بسیار این زبان‌ها از یکدیگر، این واژه در همه آنها به معنای فرستاده شده یا پیام‌رسان است. (بنگرید به: خزعلی، ۱۳۸۷: ۱۰۸ - ۱۰۷)

### ب) در اصطلاح

در آیات و روایات بحث صریحی نسبت به ماهیت ملائکه مطرح نشده است. (مکارم شیرازی، بی تا: ۱ / ۱۶۱) در فلسفه، بحث از ملائکه با عنوان وجودات خالص و بدون ماهیت پیوند خورده است که گاه (یا دست کم برخی از فرشتگان) عقول یا مفارقات نوری نام گرفته‌اند. در تبیین ماهیت فرشته، سخن روشن صدرالمقالهین را در فصل آفرینش انسان می‌توان ملاحظه نمود، وی با اشاره به تفاوت آفرینش انسان از فرشتگان، در تبیین چرایی این اختلاف با تشریح ماهیت ملائکه می‌نویسد: وجود فرشته وجودی صوری و بسیط است بدون هیچ‌گونه مخلوط شدن ترکیبی در آنها و بدون تراحم میان افعال آنها، همچنان که بین صفات و ذات فرشتگان تراحمی وجود ندارد. وی در این گفتار به آیه «وَ مَا مِثْلًا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ» استناد نموده است و سپس علت وجود تراحم در رفتار انسان را اختلاف صفات و انگیزه‌ها می‌خواند و از این رو انسان را دارای رفتار واحد نمی‌داند. امری که در طبع ملائکه غیر ممکن است؛ زیرا آفرینش فرشتگان بر اطاعت خدا سرشته شده است و مجالی برای گناه و سرپیچی در حق آنها متصور نیست همان گونه که فرمود: «لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»

و «يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ.» (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۷ / ۱۳۱ - ۱۳۰) ملاصدرا جواهر ملکوتی را دو قسم می‌داند؛ اول جواهری که تعلق به عالم اجسام ندارند که شامل ملائکه مهیمن و اهل جبروت اند. (همان: ۵۲) قسم دیگر از اهل ملکوت که روحانیون نامیده می‌شوند موجوداتی هستند که به عالم اجسام تعلق دارند که شامل فرشتگان در ملکوت اعلی و اسفل می‌باشند. (همان: ۳۴۰ - ۳۳۹) اما به نظر می‌رسد ویژگی‌های مطرح برای ملائکه در شرع با آنچه برای عقول بیان شده است به‌طور کامل قابل تطبیق نیست.

علامه طباطبایی با اشاره به نقش ملائکه در تمام امور و واسطه دانستن آنها میان خداوند و عالم محسوس، و نقش فرشتگان به جریان انداختن امر الهی در مجرای آن و نداشتن اراده مستقل و وجود مراتب میان ایشان نتیجه می‌گیرد، ملائکه در وجودشان منزله از ماده جسمانی می‌باشند؛ زیرا ماده جسمانی در معرض زوال و فساد و تغییر است و همچنین کمال در ماده، تدریجی است، از مبدأ سیر و حرکت می‌کند تا به تدریج به غایت کمال برسد و چه بسا در این بین با موانع و آفاتی برخورد نماید و پیش از رسیدن به حد کمالش از بین برود، اما ملائکه این‌گونه نیستند. (بنگرید به: طباطبایی، ۱۳۷۲: ۱۷ / ۱۴ - ۱۳)

در رابطه با جسمانی بودن ملائکه دو دیدگاه عمده مطرح است، دیدگاهی که به تنزه ملائکه مقرب از جسمیت و تعلق به اجسام نظر دارد. دیدگاهی که علاوه بر نفی تجرد تام، ملائکه را دارای ماده کثیفِ عنصری نمی‌داند؛ زیرا موجود مجرد دو قسم است، مجرد تام و مجرد مثالی. مجرد مثالی آن است که ماده ندارد اما برخوردار از برخی اوصاف مادی است. (همو، ۱۳۶۳: ۱ / ۹۷۳) این گروه معتقدند ملائکه برخوردار از جسم لطیف می‌باشند که گاه از آن به نور تعبیر شده است.

در دانش کلام، میر سید شریف در *التعريفات* ملک را جسم لطیف نورانی که به اشکال متفاوتی در می‌آید معرفی نموده است. (میر سید شریف، ۱۴۱۲: ۱۰۱) برخی ملائکه را ارواحی پیراسته از علایق مادی معرفی نموده‌اند که همگی کمالات آنها بالفعل است (رفیق عجم، ۲۰۰۴: ۲ / ۴۶۰) ابن‌قیم در کتاب *الروح* با بیان اشکالی که به نظریه‌اش در جسم‌انگاری نفس مطرح شده و لازمه آن را تحت حواس در آمدن نفس دانسته است در پاسخی نقضی، مسئله جسمانیت ملک را پیش می‌کشد و فرشته و جن و شیاطین را دارای اجسام لطیف می‌خواند که حواس آدمی توان احساس آنها را ندارد. (ابن‌قیم، ۱۹۹۶: ۲۹۸ - ۲۹۷) علامه مجلسی نیز در ذیل برخی روایات، آنها را دلیل برخوردار از ملائکه از جسم می‌داند. (بنگرید به: مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۱ / ۲۹۳) در یک نگاه کلی، به عقیده متکلمین، جهان آفرینش؛ یعنی جمیع ما سوی الله از فرشتگان و آسمان‌ها و زمین و آنچه در

آن است از موجودات همه و همه، یا جسم و یا از عوارض جسم می‌باشند. متکلمین تنها حقیقتی مجرد را ذات حق می‌دانند و روح انسان و فرشتگان را عموماً مادی می‌دانند. هرچند فرشته را جسمی نوری و لطیف می‌دانند که با چشم ظاهری قابل ادراک نیست، اما به عقیده فلاسفه الهی - چه پیروان افلاطون و چه مشائون؛ یعنی پیروان ارسطو و چه اشراقیون؛ یعنی پیروان شیخ اشراق و چه پیروان حکمت متعالیه صدرایی - حقیقت مجرد منحصر به ذات حق نیست بلکه حقایق مجرد دیگری هم هست که از آنها به عقول قاهره و یا مثل نوریه و یا فرشتگان تعبیر می‌کنند و می‌گویند: برخی از موجودات ذاتاً و فعلاً؛ یعنی هم در مقام ذات و هم در مقام فعل، مانند عقول کلیه و فرشتگان مجرد می‌باشند و برخی دیگر مانند نفوس ناطقه بشری که به عقیده افلاطون قدیم و مجردند و به عقیده ارسطوئیان حادث و مجردند، در مقام ذات مجردند اما در مقام فعل نیاز به ابزار مادی دارند. فلاسفه الهی با براهین متعدد ثابت می‌کنند که روح انسان مجرد است و فرشتگان نیز مجردند، در برابر مادیون که به صورت کلی منکر موجود مجردند و در مقابل متکلمین که تنها ذات حق را مجرد می‌دانند. ریشه دیدگاه متکلمین، ظواهر آیات و روایات همانند داستان فطرس ملک و یا از قبیل آیاتی همانند «أُولِي أَلْبَانٍ»؛ یعنی فرشتگان صاحبان بال‌هایند و ... است که از دیدگاه فلاسفه الهی کلیه این ظواهر قابل توجیه است. (محمدی، ۱۳۸۷: ۵۲ - ۵۱) علامه طباطبایی در این زمینه می‌نگارد آنچه مشهور است که ملائکه دارای جسم لطیف هستند و به شکل‌های مختلفی در می‌آیند نه تنها دلیل عقلی ندارد بلکه نقل، از کتاب و سنت معتبر، نیز هیچ‌گونه دلالتی بر آن ندارد و اجماع بر جسم‌انگاری ملک نیز بر فرض ثبوت، در مسائل اعتقادی اعتبار و حجیتی ندارد. (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۱۷ / ۱۳)

### قرآن و ملائکه

قرآن کریم برای فرشتگان ویژگی‌هایی برمی‌شمرد: آنها موجوداتی عاقل و باشعورند، همگی سر بر فرمان خدا دارند و هیچ‌گاه معصیت و نافرمانی نمی‌کنند، وظایف مهم و بسیار متنوعی از سوی خداوند برعهده دارند، فرشتگان دارای مقامات مختلفند و همه در یک سطح نیستند، پیوسته تسبیح و حمد الهی به جا می‌آورند، گاه به صورت انسان یا به صورتی دیگر بر انبیا یا انسان‌های شایسته‌ای مانند مریم علیها السلام ظاهر می‌شوند، و ... (بنگرید به: مکارم شیرازی، بی‌تا: ۱ / ۱۶۲؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ۴۲۲) در قرآن به فرشتگان از زوایای متفاوتی نگریسته شده است، از این رو دقت در آیاتی که موضوع اصلی یا جانبی آنها مربوط به مخلوقات به نام ملائکه می‌گردد از چند جهت قابل پی‌گیری و دقت نظر است، که می‌توان آنها را در مواردی برشمرد:

### الف) نگاه انسان به ملائکه

در آیه هفتم سوره فرقان به یکی از پندارهایی که درباره نقش ملائکه مطرح بوده است، اشاره شده «وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْنَا مَلَكٌ مَعَهُ نَدِيرًا» از نظر بت پرستان ملائکه نزد خدا مقرب و به غیب متصل اند و آنها می توانند از غیب رسالت را دریافت نمایند و این امر برای بشر امری ممکن نیست؛ چون رسالت اتصالی است غیبی و اتصال به غیب با علاقه مندی و ارتباط با مادیات جمع نمی شود و جز برای ملائکه دست نمی دهد. جمله «لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْنَا مَلَكٌ مَعَهُ نَدِيرًا» در حقیقت تنزلی است در پیشنهاد مشرکین (بنگرید به: مؤمنون / ۲۴) که ممکن است بشر هم رسول شود، اما لازم است که یک فرشته همراهش بیاید تا او نذیر باشد و انذار او و تبلیغ رسالت از غیب به وسیله ملک انجام شود، یا پندار القا شده توسط شیطان به آدم، به جهت فریب او در خوردن از شجره ممنوعه، در جاودانگی ملائکه و توفیق او در این وسوسه، که دلالت بر تصدیق این پندار توسط آدم و حوا دارد. (اعراف / ۲۰) در نگاه مشرکین مسئله الوهیت و یا شفاعت ملائکه به صورت برجسته در عقاید باطلشان جای گرفته بود. (نجم / ۲۶ - ۲۱)

### ب) ویژگی و کارکرد ملائکه از نگاه قرآن

قرآن ملائکه را موجوداتی مخلوق الهی که موصوف به بندگی و عبادتند معرفی می کند و با پندار فرزند بودن (یا دخترانگاری) فرشتگان برای خدا مخالفت جدی می نماید «وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَانَا أَشْهَدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ» (زخرف / ۱۹) و آنها را توصیف به عدم استکبار و اطاعت پذیری می نماید (نحل / ۴۹) و یا موضوع شهادت ملائکه و شاهد بودن آنها در تعدادی از آیات قرآن بیان گردیده است، «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (آل عمران / ۱۸ و بنگرید به: نساء / ۱۶۶) و آنان را فرستادگان و رسولان الهی توصیف می نماید «اللَّهُ بِصُفْتِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا» (حج / ۷۵) یا فرشتگان را صاحبان بال و با تمایز از همدیگر در این جهت معرفی می کند «أُولِي أجنحةٍ مثنى و ثلاث و رباعٍ». (فاطر / ۱)

### ج) گونه های نقش ارتباطی ملائکه با انسان (از خلقت تا مسئله هدایت و قیامت)

به عنوان نمونه می توان به مسئله خلقت انسان و دیدگاه ملائکه در این باره مطابق بیان آیات اشاره نمود: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره / ۳۰) موضوع امر شدن ملائکه به

سجده بر آدم (بقره / ۳۴؛ اعراف / ۱۱؛ اسراء / ۶۱؛ کهف / ۵۰) یا موضوع تعلیم اسماء به آدم و سپس عرضه آن به ملائکه (بقره / ۳۱) داستان مریم و تمثیل فرشته به شکل انسان بر او و سخن گفتن ملک با مریم (آل عمران / ۳۹، ۴۲ و ۴۵) موضوع شب قدر و نقش ملائکه در تنزل تمام امور (قدر / ۴) مأموران عذاب متمردان از اوامر الهی (عنکبوت / ۳۴ - ۳۱) مسئله قبض روح کافرین و مشرکین و پیامدهای به دنبال آن (نساء / ۹۷؛ انعام / ۹۳؛ انفال / ۵۰؛ نحل / ۲۸؛ فرقان / ۲۲؛ محمد / ۲۷؛ تحریم ۶؛ مدثر / ۳۱) و نعمت‌های بهشتی و خدمت‌رسانی ملائکه به مؤمنان (رعد / ۲۳؛ نحل / ۳۲؛ انبیاء / ۱۰۳) موضوع هدایت و نقش ملائکه در آن (احزاب / ۴۳؛ فصلت / ۳۰؛ تحریم / ۴) از مواردی است که در این دسته قابل بررسی است.

#### د) گونه ارتباط فرشتگان با پیامبران

فرشتگان به زکریا درحالی که مشغول عبادت در محراب بود ندای بشارت یحیی را دادند (آل عمران / ۳۹) فرشتگان به ابراهیم نیز مزده فرزند داده و عذاب قوم لوط را به اطلاع ابراهیم و سپس لوط رساندند (عنکبوت / ۳۴ - ۳۱) خداوند در آیه دوم سوره نحل به بیان کلی ارتباط فرشتگان با انبیا پرداخته و ایشان را پیغام‌آوران الهی و انبیا را دریافت‌کنندگان و ابلاغ‌کنندگان پیام فرشتگان توصیف می‌فرماید: «يُنزِلُ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ» در آیه ۱۰۲ این سوره خداوند در بیان چگونگی دریافت قرآن به وسیله پیامبر ﷺ می‌فرماید: «قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ» و یا ملائکه را شاهدان بر مسئله نزول و دریافت وحی بیان می‌کند: «وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ» (نساء / ۱۶۶) و آنان را مأموران مطیع الهی می‌خواند: «وَمَا نَنْزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ.» (مریم / ۶۴)

#### ه) اعتقاد بایسته انسان نسبت به فرشتگان

به‌عنوان نمونه یکی از بهانه‌های یهود برای ایمان نیاوردن به پیامبر اکرم ﷺ دشمنی آنها با جبرئیل که فرشته وحی حضرت بود، بیان شده است، خداوند این بهانه را بی‌جهت و تمامی فرشتگان را مأموران الهی بیان می‌کند که دشمنی با آنها برابر با دشمنی با خداست: «مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جِبْرِيلَ وَ ميكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ» (بقره / ۹۸) همچنین آیه ۲۸۵ سوره بقره یکی از گزاره‌های ایمانی برای مؤمنان را باور به ملائکه الهی معرفی می‌نماید و در آیه ۱۳۶ سوره نساء از کافر شدن نسبت به ملائکه تحذیر می‌نماید و آن را ضلالت و گمراهی بزرگ می‌شمرد: «وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا» که هر یک از این عناوین نیازمند پژوهش‌هایی اختصاصی است. پس از

مروری بر دیدگاه‌ها و بررسی اجمالی آیات الهی در موضوع ملائکه، در مسئله امداد مؤمنان توسط ملائکه در نبردها و سؤالات پیرامون آن متمرکز شده و از این رو به بررسی مفهوم امداد می‌پردازیم.

### مفهوم امداد

ماده «مد» اگر به باب افعال برده شود، به معنای قوت و کمک است. در تفاوت مد و امداد گفته شده مد در جایی است که خود فرد عده‌ای را کمک کند و امداد در جایی است که به وسیله افراد یا وسایل دیگر عده‌ای را کمک کند. (بنگرید به: ابوالقاء، ۱۴۱۳: ۱۸۷) شیخ طوسی مفهوم امداد را، اعطاء شیء به صورت مستمر دانسته است. (طوسی، بی تا: ۲ / ۵۸۰) و دیگر مفسران نیز امداد را به مدد رساندن به صورت دامنه‌دار و متصل بیان داشته‌اند. (طباطبایی، ۱۳۷۲: ۴ / ۸) برخی مد را شامل بسط چه از جهت مادی و معنوی دانسته و جهت گسترش و انبساط را از خارج بیان داشته‌اند. به عبارتی در «امداد» به جهت صدور از فاعل التفات می‌شود و در «تمدید» نظر به جهت وقوع و تعلق به مفعول به وجود دارد. (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۵ / ۱۲)

از مجموعه آیات ۱۲۱ تا ۱۲۷ سوره آل عمران می‌توان استفاده نمود که، فرآیند امداد الهی تحقق نصرت از جانب اوست. خداوند در آیه ۱۲۳ آل عمران پیش از بیان چگونگی و شرایط و مراحل امداد خود در نبرد بدر، به کلیت موضوع اشاره و نصرت دادن مسلمانان در نبرد بدر را یادآوری می‌کند: «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بَدْرًا وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (آل عمران / ۱۲۳) آنگاه به مسئله امداد و کیفیت و چگونگی آن در آیات ۱۲۴ و ۱۲۵ اشاره می‌نماید و در آیه ۱۲۶ مدرسانی ملائکه را به دلیل آنکه از جانب خداوند است سبب پیروزی بیان می‌کند و آنگاه با تأکید تحقق نصرت و سرانجام شدن تلاش‌ها به پیروزی را تنها از جانب خداوند توانا و حکیم می‌داند: «وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَ لَا يَنْظُمِينَ قُلُوبَكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (آل عمران / ۱۲۶) همچنان که آیه ۱۲۶ این سوره و آیه ۱۰ سوره انفال بر این امر دلالت می‌نماید. این برنامه و قانون الهی را در آیات دیگر قرآن می‌توان پی‌گیری نمود. خداوند متعال در آیه ۱۴ سوره صف مؤمنان را دعوت به یاری و عضو شدن در انصار الهی می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ» و نتیجه یاری خداوند را نصرت او برای مؤمنان بیان می‌نماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ». (محمد / ۷)

### گونه‌های امداد و تبیین آیات

موضوع امداد در آیات قرآن را می‌توان به دو شاخه اصلی تقسیم نمود:



### الف) امداد عمومی و گسترده الهی به نوع بشر

این امداد بر گونه‌ای از مواهب الهی که نوع بشر را فرا گرفته، که شامل اعطای اموال و چهارپایان و فرزندان می‌باشد (شعراء / ۱۳۳) اطلاق شده است: «وَيُؤْتِكُمْ بِأَمْوَالٍ بَيْنِينَ وَيَجْعَلُ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلُ لَكُمْ أَنْهَارًا». (نوح / ۱۲)

### ب) امداد ویژه یا پاداشی

این امداد گروه خاصی را شامل می‌شود. آیات این دسته شامل سه آیه است؛ آیات ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۲۶ سوره آل عمران: «إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُبَدِّلَكُمْ رُبُّكُمْ بِنِزَالِ آفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُتْرِكِينَ إِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُبَدِّلْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ» و آیه ۹ سوره انفال: «إِذْ تَسْتَفِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّينَ» دیدگاه‌های مطرح شده در تفسیر آیات این دسته با برداشت‌های متفاوتی مواجه شده است.

آیات میانی سوره آل عمران که با محوریت حوادث جنگ احد صورت یافته است، بیانگر قانونی الهی نسبت به مؤمنان است و ایشان را به یادآوری و باور به آن فرا می‌خواند. در این آیات که پس از جریان احد نازل گردیده، به موضوع تصمیم پیامبر ﷺ جهت بیرون آمدن از شهر مدینه برای نبرد اشاره و سستی گروهی از یاوران پیامبر ﷺ گوشزد شده است. سپس بازگشتی به نبرد بدر و عوامل پشت پرده پیروزی مسلمانان نموده است و مسلمانان را به پرهیزگاری دعوت می‌نماید. آنگاه در بیان جزئیات آن عوامل مستور می‌افزاید: «إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُبَدِّلَكُمْ رُبُّكُمْ بِنِزَالِ آفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُتْرِكِينَ».

تفسیر آیات مذکور و تبیین مصداق آن اموری‌اند که مورد دقت و کنکاش مفسران قرآنی قرار گرفته است. از جمله سؤالات مطرح در آیه ۱۲۴ سوره آل عمران مسئله زمان وعده پیامبر ﷺ است که قرآن از آن وعده حکایت نموده است. برخی بر این عقیده‌اند که وعده کمک شدن مؤمنان توسط فرشتگان، مربوط به روز احد است و خداوند سبحان با شرط صبر و پایداری، وعده فرستاده شدن ملائکه را به مسلمانان داده است. با پذیرش عدم نزول ملائکه در نبرد احد، در تحلیل چرایی آن، با توجه به فرمایش پیامبر در آیه ۱۲۴ آل عمران که ظهور در وعده امداد شدن مؤمنان می‌نماید، گفته شده است که؛ عبارت «اذ تقول» در آیه، در صورتی که مربوط به جنگ احد باشد، بدل دوم از «اذ غدوت» در آیه ۱۲۱ است. در این فرض گفتار پیامبر در یاری دادن سه هزار فرشته مشروط به بردباری و تقوا بوده است درحالی که می‌دانیم در نبرد احد پایداری و تقوی نسبت به غنائم صورت نیافت و امر رسول الله ﷺ مورد مخالفت قرار گرفت و از همین رو ملائکه برای امداد مسلمانان فرود نیامدند. از این رو تحقق امداد و یاری

مسلمانان توسط سربازان پنهان الهی پیوند تام و وثیقی با انجام پذیرفتن و رعایت حدود و شروط از طرف مسلمانان داشته است و علت عدم تحقق امداد توسط ملائکه را در وجود مانع از طرف مسلمانان باید جستجو نمود، نه پندار انحصار امر نصرت و یاری فرشتگان در مرحله بدر. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱ / ۴۱۱) در کنار این دیدگاه می‌توان به نظر فخررازی اشاره کرد وی در ذیل آیات ۱۲۴ و ۱۲۵ سوره آل عمران با اشاره به مطلق بودن وعده انزال ملائکه (سه هزار ملک) می‌نویسد، این وعده مشروط به شرطی نبوده و حصول آن واجب بوده است. این وعده در نبرد بدر تحقق یافت اما در نبرد احد محقق نشد. برخی نیز فرستاده شدن ملائکه به کمک مسلمانان را که آیه ۱۲۴ آل عمران از آن حکایت دارد منحصر در روز بدر می‌دانند. (ابن عباس، حسن و قتاده از قائلین به این دیدگاه هستند) ابن عباس مدد و پشتیبانی ملائکه در سائر نبردها را انکار نمی‌کند هرچند تحقق جنگ توسط ملائکه را منحصر در نبرد بدر می‌داند. دیدگاه‌های مطرح در تبیین آیات مذکور از سوره آل عمران که هر یک پاسخ‌گوی زوایایی از مسائل مطرح در آیات است، را می‌توان در موارد ذیل دسته‌بندی نمود:

- مدد به پنج هزار فرشته مشروط به صبر و تقوا بود که مؤمنان انجام دادند و خدا ایشان را با فرستادن پنج هزار فرشته مدد نمود. (قتاده)

- پنج هزار فرشته‌ای که در قرآن آمده تا قیامت همیشه یار مؤمنان هستند. (حسن بصری)

- فرشتگان تنها در روز بدر کارزار نمودند. در دیگر نبردها ملائکه حاضر بودند اما به نبرد و مقاتله نپرداختند، بلکه تنها برای نمایش افزونی شمار مسلمانان و مدد حاضر بودند.

برخی مفسران بر این عقیده‌اند آیه «لَنْ يَكْفِيَكُمْ» مربوط به داستان کرز بن جابر نجاری است که قرار بود به کمک مشرکان بیاید و پیامبر از آن ناراحت شد، آیه مذکور نازل شد و کرز بن جابر نیامد و خدا نیز آن امداد را نفرستاد و مدد همان هزار فرشته‌ای بود که اول فرستاد.

خداوند سبحان وعده داد که اگر صبر کنند و از محارم اجتناب کنند ایشان را در دیگر کارزارها به فرشتگان مدد می‌نماید و چون آن کارها را انجام ندادند خداوند متعال امداد خود را فرو نفرستاد، شاهد آن اینکه اگر می‌فرستاد در احد آن حوادث پیش‌آمد نمی‌کرد و در احزاب شرایط را مراعات کردند خداوند ایشان را با فرستادن ملائکه مدد نمود، که مقصود آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا» ملائکه است؛ چراکه لشکری که دیده نشوند و مددکار مسلمانان باشند تنها فرشتگان هستند.

عبدالله بن ابی اوفی معتقد است مدد فرستادن فرشتگان در نبرد بنی قریظه نیز واقع شد و همین امر باعث پیروزی مسلمانان شد.

وعده پنج هزار فرشته مربوط به احد است که شرط صبر و تقوی داشت که مسلمانان وفا نکردند و خدا مدد نکرد (عکرمه و ضحاک). (بنگرید به: رازی، ۱۴۰۸: ۵ / ۵۷ - ۵۲)

مسئله دیگر در مورد عدد فرشتگان است، برخی تعداد آنها را هشت هزار برخی پنج هزار دانسته‌اند. طبرسی در مجمع البیان معتقد است مطابق ظاهر کلام و الفاظ آیه، سه هزار فرشته مسلمانان را یاری دادند و آنگاه خدا جنگ پیش روی مؤمنان (احد) را بیان می‌کند که اگر صبر کنند پنج هزار فرشته را به کمک ایشان می‌فرستد.

### چگونگی امداد فرشتگان

در رابطه با کیفیت و چگونگی امداد ملائکه برخی مفسران بر این باورند این سخن که، ملائکه روز بدر از آسمان به سرزمین بدر نازل شدند، اما نبرد نکردند، سخنی سنجیده و درست نیست؛ زیرا وعده الهی به امداد نمودن مسلمانان به سه هزار فرشته بوده است درحالی که مجرد فرود آمدن فرشتگان موجب تحقق امداد نیست، بلکه در امداد اعانه و کمک نمودن نیز لازم است که این یاری رساندن توسط ملائکه در جنگ بدر محقق شد. این گروه در تأیید ادعای خویش به هم‌رأیی همگانی اهل تفسیر و سیره‌نویسان استدلال می‌کنند که بر فرود آمدن فرشتگان و برخورد آنها با کافران در روز بدر توافق دارند. و این گفته ابن عباس که: لم تقاتل الملائكة سوى يوم بدر و فیما سواه كانوا عدداً و مدداً لا یقاتلون و لا یضربون، را شاهد بر دیدگاه برگزیده خود دانسته و این دیدگاه را دیدگاهی عمومی تر میان اهل تفسیر دانسته‌اند. (رازی، ۱۴۲۰: ۸ / ۳۵۰) فخررازی به تفاوت دیدگاهی که در زمینه کیفیت نصرت و یاری فرشتگان میان مفسران قرآن وجود دارد اشاره و این اختلاف را با تقسیم دیدگاه‌ها در دو شاخه تبیین نموده است: یک اینکه گروهی برآنند که فرشتگان با مؤمنان به قتال و نبرد پرداختند و دیگر آنکه گروهی بر آنند که فرشتگان به تقویت و افزایش نیروی باطنی مؤمنان اقدام نموده و به آنها در پیروزی اشعار داده‌اند و در مقابل در قلب و جان کافران وحشت و ترس القا می‌نمودند.

وی آنگاه در مقام قضاوت و بیان دیدگاه خویش، با تحفظ بر الفاظ قرآن، در دیدگاهی بینابین می‌نویسد: مدد رساندن، ظهور در مشارکت در نبرد با سپاه اسلام دارد البته اگر نیاز به این امداد محقق گردد. از این رو ممکن است چنین نیازی محقق نشود، بلکه مجرد حضور فرشتگان در تقویت قلب مسلمانان کافی باشد. وی آنگاه تأیید می‌کند با این حال، بیشتر مفسران بر این باورند که فرشتگان در نبرد بدر جنگیدند اما این امر در سایر جنگ‌ها محقق نشده است. (همو: ۸ / ۳۵۲ - ۳۵۰) صاحب مفاتیح الغیب آنگاه به دیدگاه ابوبکر اصم که نظریه‌ای مخالف با دیدگاه بیشتر مفسران است اشاره و

در تبیین سخن اصم می‌گوید، وی دیدگاه یاری رساندن ملائکه به بدریون را انکار و برخورد آنها با کافران را به شدت نفی می‌کند. فخر رازی در سنجش دیدگاه وی، انکار این موضوع را با توجه به صراحت و نص قرآن و روایات به وقوع و تحقق این‌گونه امداد، مساوی با انکار قرآن و نبوت می‌داند و شبهات اصم را در مقابل کمال توانایی الهی بی‌اساس می‌شمرد. آلوسی نیز با اشاره به دیدگاه اصم، دیدگاه وی را انحرافی و دور از واقعیات می‌داند و با توجه دادن به قدرت الهی و نص قرآن بر امداد و اخبار فراوانی که در حد تواتر است نظر او را رد و انکار می‌نماید.

هرچند فخر رازی در ذیل آیات سوره آل عمران دیدگاه نبرد و برخورد مستقیم فرشتگان با کافران را پذیرفته است اما در مسئله سومی که در ذیل آیه ۹ انفال «إِذْ تَسْتَعِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ» بیان کرده، به اختلاف دیدگاه‌ها در کیفیت امداد ملائکه در نبرد بدر می‌پردازد و می‌نویسد:

گروهی برآنند که جبرئیل با پانصد فرشته در جناح راست و میکائیل با پانصد فرشته در جناح چپ به صورت مردانی با جامه‌هایی سفید و شفاف به نبرد پرداختند. گروهی نیز بر آنند که در نبرد بدر قتال صورت یافت اما در جنگ احزاب و حنین چنین اتفاقی نیفتاد. ابن مسعود نقل می‌کند ابوجهل درباره صدایی که می‌شنیدند اما شخصی را نمی‌دیدند پرسید او در جواب گفت آن صدا از فرشته بوده است ابوجهل گفت پس آنها بر ما پیروز شدند نه شما. گروهی دیگر برآنند که فرشتگان به نبرد پرداختند بلکه موجب نمایش فزونی افراد و تثبیت قلب مؤمنان بودند، این گروه دلیل خود را این‌گونه بیان نموده‌اند که نابودی و هلاکت تمام دنیا توسط یک نفر از فرشتگان کافی است.

آنگاه در مقام داوری و انتخاب دیدگاه خویش، نبرد نکردن فرشتگان را دیدگاهی سازگار با ظاهر آیه ۱۰ «وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَ لِيَتَطْمَئِنَّا بِهِ قُلُوبُكُمْ» می‌داند، با این استدلال که امداد ملائکه طبق آیه با بشارت حاصل شده است. سپس وی با استناد به روایتی از ابن عباس گفتار خود را در هدف از انزال که حصول بشارت است تأیید می‌کند و تحقق بشارت را با اقدام بر نبرد منافی می‌داند. وی همچنین در تبیین نقش ملائکه در جنگ مسلمانان طبق این دیدگاه اخیر، در ذیل آیه ۱۲ «إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبَّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَأَضْرَبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَ اضْرَبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ» مقصود آیه را، از بین بردن خوف و ترس از دل مسلمان می‌داند و فاعل و انجام‌دهنده این مقصود؛ یعنی ایجاد خوف در کفار را ملائکه نمی‌داند بلکه تحقق بخش این امر را

مسلمانان می‌داند. رازی در بیان دیدگاه‌های مطرح در این زمینه، در کیفیت تثبیت در عبارت «فَتَّبَتُوا الَّذِينَ آمَنُوا» با توجه دادن به اختلاف نظریه‌های مطرح به دو گفتار اشاره می‌کند.

همان‌گونه که امکان وسوسه از شیطان به انسان هست، همین‌گونه فرشته ممکن است به انسان الهام کند، مراد از تثبیت در اینجا نیز همان الهام فرشته باشد.

ملائکه به صورت رجال شناخته شده و معروف در آمده و با نصر و فتح و ظفر ایشان را مدد می‌رسانند. «أن الملائكة كانوا يتشبهون بصور رجال من معارفهم و كانوا يدونهم بالنصر و الفتح و الظفر» وی سپس در بیان احتمالات مطرح در «فَأَضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ» دو وجه را مطرح و می‌نویسد: یک احتمال آن است که فاء به فَتَّبَتُوا متصل باشد و خدا ملائکه را امر به چنین مطلبی نموده باشد. دوم اینکه امر متوجه مؤمنان باشد. وی آنگاه در مقام داوری میان اقوال مطرح شده، گفتار اخیر را دیدگاهی صحیح‌تر می‌داند؛ چراکه آن مطابق نظر وی در عدم نبرد و محاربه ملائکه است. (رازی، ۱۴۲۰: ۱۵ / ۴۶۳ - ۴۵۹)

آلوسی نیز با کلامی که نشانه‌هایی از تردید در آن آشکار است بر این باور است که آیه دلالتی بر وقوع نبرد ندارد همچنان که دلالتی بر عدم وقوع نبرد نمی‌کند، وی هر دو احتمال را ممکن می‌داند و می‌افزاید، هر دو احتمال طرف‌دارانی دارد. او دیدگاه برگزیده خود را مطابق کلام مجاهد می‌داند. مجاهد بر این عقیده است که ملائکه در غزوات پیامبر ﷺ به جز غزوه بدر نبرد نداشته‌اند، هر چند در برخی از جنگ‌ها حاضر بوده‌اند که آنهم به جهت مصلحتی بود که خداوند متعال می‌دانست. سپس با ذکر مثالی به عدم تحقق چنین امری اشاره می‌کند و می‌نویسد: تحقق این قضیه همانند حضور ملائکه در کنار اهل ذکر و مناجات است. و چه بسا فرشتگان اعانه و کمک به مسلمانان می‌دادند بدون آنکه مستقیم وارد نبرد بشوند مثل آنچه در نبرد احد واقع شد، که گفتار سعد بن مالک و تیرهایی که به او داده می‌شد شاهی بر این ادعا است.

### نبرد فرشتگان از نگاه روایات

روایات مطرح در این باب بیشتر در ذیل تبیین کلمه «مسمومین» بیان شده است. مسمومین به معنای برخوردار از نشانه و علامت جنگ است. ریشه آن السَّيْمَاءُ و السَّوْمَةُ به معنای نشانه‌ای که فارس زبانان خودشان را با آن نمایان می‌ساختند. (بنگرید به: ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱ / ۳۲۱) در قرائت کلمه مسمومین گروهی به کسر و گروهی به فتح واو خوانده‌اند کسانی که به فتح واو خوانده‌اند مقصودشان آن بوده که خدا نشانه به فرشتگان زده است و کسانی که به کسر می‌خوانند مقصودشان آن است که ملائکه خود

نشانه و علامتی برای خود انتخاب نمودند. ابن جوزی مطابق این جمله «سَمَوْا فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ قَدْ سَوَّمَتْ» که آن را کلام پیامبر در روز بدر می‌داند کسر واو را صحیح می‌داند. (همو: ۱ / ۳۲۱) ابن جوزی در شاهد نبرد ملائکه در روز بدر به کلام ابوداود مازنی اشاره می‌کند، که در جنگ بدر من برای کشتن یکی از مشرکین او را دنبال نمودم اما قبل از آنکه شمشیرم به او برسد سر او از بدنش جدا شده بود.

سیوطی روایاتی آورده که در آن روایات ملائکه را معمم و در برخی روایات اشاره به رنگ پارچه دور سر آنها شده است. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲ / ۷۰) در روایاتی به چرایی رنگ عمامه فرشتگان نیز اشاره شده است. در روایتی از طبرانی از ابن عباس نقل شده است که ملائکه در روز بدر با عمامه سفید در پشت سر مسلمانان قرار گرفتند و در روز جنگ حنین با عمامه‌هایی قرمز رنگ. ابن عباس می‌افزاید ضرب و نبرد فرشتگان تنها در جنگ بدر متحقق شد و در سایر نبردها تنها اعداد و امدادگر (روحی و معنوی) بودند. در روایت دیگر ابن عباس، سؤال نافع بن ازرق از شناخته شدن ملائکه توسط عرب را با پاسخ مثبت می‌دهد و به این گفته شاعر «و لقد حميت الخيل تحمل شكة جرداء صافية الأديم مسومة» استشهد می‌نماید. در الدر المنثور روایاتی دلالت بر حضور ملائکه در جنگ بدر می‌نماید. (بنگرید به: همو: ۶۹) و اینکه در جنگ احد به دلیل استقامت نکردن مسلمانان امداد ملائکه محقق نگردید. (همان) ابن جریر از ابواسید که از حاضران در نبرد بدر بوده و بعدها دچار کوری می‌شود نقل می‌کند اگر بینا بودم دره و شعبی که در روز احد ملائکه از آن با عمامه‌هایی زرد رنگ بیرون آمدند را به شما نشان می‌دادم. از این روایت استفاده می‌شود ملائکه در روز احد نیز حضور داشته‌اند و این با آیات و گفتار غالب مفسران در رعایت نشدن شرط توسط مسلمانان و در نتیجه حاضر نگشتن ملائکه در نبرد احد سازگار نیست.

در ذیل عبارت «وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ» از مجاهد نقل شده همانا خدا ملائکه را به جهت بشارت و اطمینان به سوی مؤمنان فرو فرستاد و ملائکه در هیچ نبردی به قتال پرداختند به جز در نبرد بدر. هرچند به نظر می‌رسد برخی از روایات مطرح شده در ذیل آیات امداد ملائکه مورد سوء استفاده برخی، برای بزرگ‌نمایی شخصی خاص شده است (همانند روایاتی که رنگ عمامه ملائکه را به رنگ عمامه زبیر دانسته‌اند) با این حال گویا اصل مطلب مورد پذیرش و قبول بوده است. ابن ابی شیبه، ابن منذر و ابن ابی حاتم از امیرمؤمنان علی عليه السلام در سیمای فرشته‌ها که دلالت بر حضور فیزیکی و عینی آنها داشته است نقل نموده‌اند: كان سيماء الملائكة يوم بدر الصوف الأبيض في نواصي الخيل و أذناها. روایات متعدد دیگری نیز به گزارش جزئیاتی از حضور ملائکه و مرکب آنها و پوشش آنها پرداخته‌اند. (همو: ۷۱ - ۶۹) از روایات شیعه نیز می‌توان شواهدی بر حضور ملائکه در نبرد بدر به دست آورد. در یکی از روایات،

ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام در ماجرای قیام حضرت حجت علیه السلام نقل می‌کند که همراه او فرشتگان روز بدر خواهند بود. (بنگرید به: خویزی، ۱۴۱۵: ۱ / ۳۸۸) عیاشی در تفسیر خود روایاتی در ذیل آیه ۱۲۵ سوره آل عمران نقل می‌کند که افزون بر نفی مجرد محض ملائکه نمایانگر جلوه و گونه حضور ایشان در نبرد بدر است. در چندین روایت «موسومین» به معنای عمامه و دستار بر سر داشتن بیان شده است که این تعبیر دلالت بر حضور فیزیکی ملائکه در نبرد بدر می‌نماید. (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱ / ۱۹۷ - ۱۹۶)

### امکان نبرد فرشتگان از نگاه مفسران

مسئله‌ای که پس از تحقیق در کیفیت و چگونگی امداد فرشتگان با توجه به دیدگاه‌های گوناگون مطرح در آن لازم است بررسی شود امکان نبرد ملائکه است. پاسخ به این سؤال پیوند عمیقی با تبیین ماهیت فرشتگان و نتیجه‌ای دارد که در مسئله کیفیت امداد ملائکه مطرح گردید. در پاسخ به امکان نبرد ملائکه، برخی محققین با طرح این مسئله که، تسلط و قدرت در دو مرتبه ملکوت (عالم ملائکه) و ناسوت (عالم ماده) با یکدیگر تفاوتی ندارند؛ بر این باوراند که در عالم ماده، در حقیقت انبساط نیرو و قوت و نفوذ روح است نه ماده، پس تنها تفاوت میان عالم ماده (ناسوت) و عالم ملائکه (ملکوت) از جهت مراتب شدت و ضعف در محدودیت است. تفاوت میان عمل و تحرک میان این دو مرتبه عبارت است از اینکه در مرتبه عالی به‌خاطر کم بودن محدودیت، احتیاج به وسایل و اسباب کمتر خواهد بود و گاهی با اراده تنها، مطلوب حاصل می‌شود و اگر احتیاجی به وسایل شد، قهراً متناسب با محیط و خصوصیات موضوع خواهد بود.

با توجه به این امر، مسئله نصرت دادن فرشتگان نباید با نگاهی ضعیف تحلیل شود، از این رو هیچ لزومی ندارد ملائکه اگر در محیط ما فرود آمده و عملی را انجام بدهند، به همان وسایل و اسباب مادی انجام وظیفه کنند، مانند اینکه در میدان کارزار سوار اسب شوند، شمشیر به دست بگیرند، با دشمن تن به تن و در مقابل آن بجنگند، زره و نیزه داشته باشند و در صفوف مسلمین حاضر و مشهود شوند. بلکه نیرو و مدد دادن ملائکه به صورت‌های گوناگونی قابل تبیین است، مانند القاء شجاعت و دلیری در قلوب مسلمین و برطرف کردن رعب و خوف از آنان، و القاء وحشت و تزلزل و اضطراب در دل‌های کفار به گونه‌ای که نتوانند اراده قاطعی داشته و در میدان کارزار در مقام فکر و عمل تصمیم جدی اتخاذ کنند و تقویت قوای عملی مؤمنین و تضعیف کفار، به طوری که در مقام عمل خود ملائکه سهمیم باشند و تصرف در حواس ظاهری طرفین که احساس مختلف داشته باشند. (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۵ / ۱۳)

از جانب دیگر گروهی از مفسران قرآن که در تلاش اند از ظهور الفاظ قرآن دست نکشند و با نفی

محال بودن آن و وجود وجاهت عقلانی و با مقایسه این امر با سایر امور پذیرفته شده، که گاه پیچیده‌تر هستند، بر امکان آن فی الجمله تأکید نمایند، هرچند این موضوع را دارای نقاط ابهام برای بشر دانسته‌اند. آلوسی در پاسخ به این سؤال که ملائکه چگونه ممکن است در قالب و صورت مردان قابل مشاهده شوند، بر این باور است که در رابطه با ملائکه دو تصور است، یکی آنکه فرشتگان اجسام لطیف و نورانی هستند و دیگر اینکه آنها ارواح شریف و قدسی‌اند. پذیرش هر یک از دو دیدگاه نسبت به ماهیت ملائکه منافاتی با ظاهر شدن ملائکه به صورت مثلاً انسان ندارد؛ چراکه انقلاب و دگرگونی در عین و نگاه و یا تغییر و تبدیلی در ماهیت پیدا نمی‌شود. همچنان‌که عرفا به ظاهر شدن جبرئیل در صورت دحیه کلبی قائلند. وی سپس به مسئله تجلی خدا به اهل موقف اشاره و معتقد است هرکس که آن مسئله را بپذیرد، پذیرش این مسئله برای او مشکل نخواهد بود و آشکار شدن ملائکه بر روی اسبانی غیبی به مقتضای حکمت الهی و مصلحت ربانی است و لازمه آن، دیده شدن توسط هر بیننده‌ای نیست؛ چراکه ممکن است مانعی برای دیدن ایجاد کند، چه در رائی و چه در مرئی، و یا در برخی از زمان‌ها ببینند و بعضی اوقات نبینند. این امور همگی به دست خدای حکیم و علیم است و امری اگر ممکن باشد و نص بر آن هم وجود داشته باشد قبولش لازم است و مجرد استبعاد نمی‌تواند مانع قبول آن شود و اگر روی به تأویل ببریم باید بیشتر شریعت و بلکه همه شرایع را تأویل نمود که این منجر به مسئله‌ای بزرگ می‌شود. در نتیجه تسلیم شدن آنچه ممکن است و پیامبر به آن خبر آورده و تفویض تفصیل و کیفیت آن به خدا لازم و ضروری است. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲ / ۲۶۳)

اما دیدگاه فلسفی با مبانی پذیرفته شده در فلسفه نسبت به تفسیر آیات اقدام می‌نماید. از این‌رو دست به تأویل آیات یا روایاتی که ظهور در امری مخالف با آن نگاه است، می‌زند. علامه طباطبایی غیرمادی بودن ملائکه را نتیجه آشکار آیات در این موضوع تلقی می‌کند و از آنجا که در روایات، از شکل و هیئت ملائکه سخن رفته است، در تبیین آن می‌نگارد؛ اینکه در روایات برای ملائکه صورت و هیئت جسمانی ذکر شده، از باب تمثیل است و منظور آن است که فلان فرشته به‌گونه‌ای است که اگر اوصافش با طرحی نشان داده شود، به این هیئت در می‌آید و به همین جهت، انبیا و امامانی که فرشتگان را دیده‌اند، همان‌طور که نقل می‌کنند برای آنها محسوس شده‌اند و گرنه ملائکه به صورت و شکل در نمی‌آیند. (طباطبایی، ۱۳۷۲: ۱۷ / ۱۳) وی با دقت دادن به معانی الفاظ معتقد است که ملائکه به صورت انسان «متمثل» می‌شوند؛ نه «متصور» و «متشکل» و لازم است توجه نمود که میان تمثل و شکل‌گیری فرق است؛ معنای تمثل ملک به صورت انسان، این است که ملک در ظرف ادراک آن کسی که وی را می‌بیند، به صورت انسان در می‌آید، درحالی‌که بیرون از ظرف ادراک او،



واقعیت و خارجیت دیگری دارد که همان صورت ملکی اوست؛ برخلاف تشکل و تصور که اگر ملکی به صورت انسان متصور شود، هم در ظرف ادراک بیننده و هم در خارج آن ظرف، انسان واقعی می‌شود و چنین ملکی باید هم در ذهن، ملک باشد و هم در خارج و این ممکن نیست. (همو)

### فرشته در سنجش تجرد و مادیت

در نگاهی کلان نسبت به دیدگاه‌های مطرح، باید دانست که مبنای اختلاف در مسائل مذکور بازگشت به این پرسش دارد که آیا موجودات در عالم تحقق به دو گونه مادی و مجرد تقسیم می‌شوند یا خیر. بر این اساس و در پاسخ به این سؤال، وجود یا عدم مجردات همواره از مسائل اختلافی و مورد بحث میان متکلمان و فیلسوفان بوده و در تفاسیر آیات نیز خود را نمایان ساخته است. در یک تقسیم کلی و اولی برای مطلق وجود در فلسفه، موجودات به مجرد و مادی تقسیم می‌شوند،<sup>۱</sup> که هریک از این دو دارای ویژگی‌هایی مخصوص به خود است. داشتن ابعاد، انقسام‌پذیری، استعداد، قوه، تغییر، تغییر و حرکت در موجود مجرد (غیر مادی) برخلاف موجود مادی محال است. مجردات به اعتبار اینکه کدام یک از ویژگی‌های مذکور را نداشته باشند به گونه‌هایی همانند مجردات تام، مثالی و نفسانی تقسیم می‌شوند. فرشتگان به‌عنوان یکی از مصادیق مطرح در ذیل عنوان مجردات می‌باشند. فلاسفه اسلامی با تطبیق ملائکه به‌عنوان حقیقت و عنوانی قرآنی با عقول مفارق یا نفوس فلکی که در فلسفه مطرح بوده است، این موجودات را مجرد دانسته‌اند. با این نگاه تحقق امداد ملائکه در نبرد، تنها گونه‌ای غیر فیزیکی به خود خواهد گرفت.

در صورت خدشه به این مبنا می‌توان به پذیرش ظاهر آیات در تجلی یافتن امداد عملی ملائکه و نبرد عینی ایشان نزدیک شد. بر این اساس اولین سؤال مطرح در این حوزه دلیل و چرایی تطابق دادن ملائکه با عناوینی همچون عقول مفارق و نفوس فلکی است. از آن‌رو که وجود ملائکه توسط کلام وحی به اثبات رسیده است، برای رسیدن به حقیقت این موجودات با بازگشت به وحی می‌توان به ویژگی‌های آنها پی برد؛ زیرا تطابق دادن واژه‌ای در دستگاه معنایی خاص به عناوینی در حوزه معرفتی دیگر نیازمند نگاه جامع به هر دو دستگاه معرفتی است.

البته می‌توان این پرسش را مطرح نمود که آیا فرشتگان در معارف قرآنی برخوردار از ویژگی‌های موجودات مجرد در نظام فلسفی می‌باشند؟ در پاسخ به این سؤال نخست توجه به این نکته لازم است

۱. این تقسیم‌بندی اختصاص به ممکن الوجود ندارد همچنان که اختصاص به جوهر یا عرض ندارد. (بنگرید به: مصباح یزدی، ۱۳۶۶: ۲ / ۱۲۳)

که نامحسوس بودن ملازم با تجرد نیست. همچنان که میان مادی بودن و احساس شدن تلازمی وجود ندارد. (بنگرید به: ابن سینا، ۱۴۰۴: ۸۸) دو وجه امتیاز اصلی موجود مادی یا جسمانی از موجود مجرد در نظام معرفتی فلسفی، نخست: بُعد و امتداد داشتن و به تبع آن مکانمند بودن است و دوم: قابلیت تغییر، دگرگونی و حرکت که نتیجه آن زمانمند بودن، می‌باشد. (بنگرید: به مصباح یزدی، ۱۳۶۶: ۲ / ۱۲۴)

با توجه به این ضابطه و مراجعه به متون نقلی می‌توان شواهد اطمینان‌آفرینی یافت که در آن، گزاره‌های اصلی برای جسمانی بودن ملائکه ملاحظه می‌شود. مسئله آمد و شد مستمر ملائکه از آسمان (شعراء / ۱۹۴ - ۱۹۲؛ حجر / ۸؛ نحل / ۲؛ حج / ۷۵؛ فرقان / ۲۵؛ فاطر / ۱؛ معارج / ۴؛ قدر / ۴) و رویت برخی از فرشتگان توسط انبیاء (نجم / ۱۴ - ۱۳؛ تکویر / ۲۳؛ زمر / ۷۵) و یا سایر مردم (آل عمران / ۴۲ و ۴۵؛ هود / ۷۲ - ۶۹؛ ذاریات / ۳۰ - ۲۴؛ طه / ۹۶) و همچنین تصریح قرآن به مشاهده ملائکه در هنگامه مرگ و در روز قیامت (بقره / ۲۱۰؛ نساء / ۹۷؛ انعام / ۹۳؛ انفال / ۵۰؛ رعد / ۲۳؛ انبیاء / ۱۰۳؛ فرقان / ۲۲ - ۲۱) که دلالت بر حرکت و لازمه مکانمند و زمانمند بودن فرشتگان است، منافات جدی با تجرد ملائکه دارد و تاویل بردن این تعبیر، با وجود عدم مخالفت با حکم عقل توجیهی ندارد.

بر این اساس می‌توان ادعا نمود، هر چند وجود فرشتگان، به‌ویژه با آن ویژگی‌ها و مقامات و اعمالی که قرآن برای آنان شمرده، از امور غیبی است که برای اثباتش با آن صفات و ویژگی‌ها راهی جز ادله نقلیه وجود ندارد و ظاهر آیات و روایات، اگر نخواهیم توجیه و تفسیر خاصی برای آنها در نظر بگیریم، آن است که آنها از این ماده کثیف و خشن عنصری نیستند، اما به هر حال مجرد مطلق نیز نمی‌باشند؛<sup>۱</sup> زیرا زمان و مکان و اوصاف دیگری که لازمه جسم و جسمانیت است برای فرشته در آیات و روایات به وضوح بیان شده است. از این‌رو تحقق امداد ملائکه با حضورشان در صحنه جنگ و به نبرد پرداختن آنها، با منعی از شرع و عقل روبه‌رو نیست.

### انحصار یا استمرار امداد ملائکه

از جمله مسائل مطرح در ذیل موضوع امداد ملائکه که نیازمند توجه است، دامنه شمولى آیات و به بیانی گویاتر مسئله استمرار این امر در طول حیات مؤمنان است. اینکه آیات بیانگر امدادسانی

۱. از همین‌رو برخی از اندیشمندان معاصر (استاد فیاضی) ملاک مادیت را از برخورداری از قوه و امتداد به قابل اشاره حسی بودن تنزل داده‌اند. در این دیدگاه علاوه بر اینکه داشتن امتداد و عدم آن ملاک تجرد و مادیت نیست، داشتن هیولا و نیز قوه و استعداد هم نمی‌تواند عامل امتیاز میان موجود مادی و مجرد باشد. این نظریه قابلیت اشاره حسی (یعنی در جهتی از جهات شش‌گانه این عالم واقع شود) و داشتن وضع را ملاک مادی بودن یک موجود و عدم آن را معیار تجرد آن می‌داند. (بنگرید به: نویان، ۱۳۸۶: ۲۲۳ - ۲۰۷)

ملائکه به مؤمنان محدود به دوره زمانی خاص و یا نبردی ویژه است و یا یک قانون دائمی در قرآن تلقی شده است با نگاهی به آیات قرآن و روایات قابل پیگیری است.

آیه «هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا» بشارت بزرگ و نوید عظیمی برای مؤمنانی که همواره به یاد خدا هستند دربردارد؛ چرا که با صراحت می‌گوید: آنها در سیر خود به سوی الله تنها نیستند، بلکه به مقتضای «یصلی» که فعل مضارع است و دلیل بر استمرار می‌باشد همواره زیر پوشش رحمت خداوند و فرشتگان او قرار دارند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷ / ۳۵۴ - ۳۵۳) مفسران به این نکته توجه داده‌اند که صلوات معنای جامعی دارد (انعطاف) که این معنای جامع به خاطر اختلاف مواردی که به آن نسبت داده می‌شود، مختلف می‌گردد. (طباطبایی، ۱۳۷۲: ۱۶ / ۳۲۹) مفسران صلوات ملائکه را به معنای دعا (طوسی، بی‌تا: ۸ / ۳۴۸) و یا درخواست نزول رحمت (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸ / ۵۶۸) و یا استغفار دانسته‌اند. (رازی، ۱۴۰۸: ۱۵ / ۴۳۳: طباطبایی، همان؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۳ / ۶۴۱) فیض کاشانی معنای صلوات فرشتگان را این‌گونه می‌نویسد: باستغفار لکم و الاهتمام بما يصلحکم. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴ / ۱۹۴) سیوطی در الدر المنثور روایاتی ذکر می‌کند که معنای صلوات فرشتگان، دعا و استغفار بیان شده است. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۲۰) پس از روشن شدن این مسئله اتفاقی باید افزود که، برخی مفسران با اشاره به سنت الهی در برابر انسان، در ذیل گفتار عبد بن عمیر که پس از بازگشت از احد که قریش از پیروزی خود سخن رانده و می‌گفتند خیل بقل و مردان سفید روی را که در بدر دیدیم در احد ندیدیم می‌نویسد: تحقیق در این زمینه آن است که تکلیف با الجاء منافات دارد از این‌رو هرچند پروردگار متعال قادر است که تمام کفار را در لحظه‌ای با یک ملک نابود کند بلکه می‌تواند بدون سبب این کار را انجام دهد همین‌گونه قادر است که آنها را بر اسلام مجبور نماید اما اراده الهی آن است که این دین را با امهال و تدریج و به‌وسیله دعوت و به طریق ابتدا و تکلیف شکوفا و پیش‌برد، از این‌رو امور بر جریانی مطابق با این اراده محقق می‌گردد. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲ / ۲۶۱) این سخن در واقع پاسخ به توهم لزوم حضور ملائکه در همه نبردهای مسلمانان است در حالی که امکان تحقق این پدیده را در طول تاریخ حیات انسان نفی نمی‌کند. سه دیدگاه دیگری که به استمرار امداد ملائکه نزدیک است عبارتند از دیدگاهی که به حضور ملائکه در سائر نبردها معتقد است هرچند جهت آن را برای نمایش فزونی نه نبرد می‌داند. دیدگاه ابن ابی اوفی که معتقد است مدد فرستادن فرشتگان در نبرد بنی‌قریظه نیز واقع شد و همین امر باعث پیروزی مسلمانان شد.

و دیدگاهی که بر آن است که امداد فرشتگان مشروط به صبر و دوری از محارم است و خداوند سبحان وعده داد که با توجه به این دو شرط مؤمنان را در دیگر کارزارها به فرشتگان مدد می‌نماید، که

در نتیجه عدم تحقق آن در احد حوادث تلخ آن ایجاد شد و به دلیل مراعات آن در جنگ احزاب خداوند ایشان را با فرستادن ملائکه مدد نمود که مقصود آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا» (احزاب / ۹)، ملائکه است؛ چراکه لشکری که دیده نشوند و مدد کار مسلمانان باشند تنها فرشتگان هستند. (رازی، ۱۴۰۸: ۵ / ۵۷ - ۵۲) در تفسیر عیاشی از ضریس بن عبدالملک از امام باقر علیه السلام نقل شده است که ملائکه یاری کننده پیامبر صلی الله علیه و آله در نبرد بدر دیگر بالا نرفته و نمی‌روند تا حضرت مهدی علیه السلام را یاری کنند و عدد آنها پنج هزار ملک است. (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱ / ۱۹۷) از برخی از روایات اهل سنت نیز عدم انحصار حضور ملائکه به نبرد بدر آشکار است. هر چند این روایات گونه حضور فرشتگان در نبرد بدر را با هر نبرد دیگری متفاوت دانسته‌اند. (بنگرید به: سیوطی، ۱۴۰۴: ۲ / ۷۰) به هر حال هر چند این مسئله به صورتی شفاف در میان مفسران مطرح نبوده است اما می‌توان با توجه به دیدگاه‌هایی که در مسائل پیش توسط مفسران با نحله‌های متفاوت فکری مطرح نموده‌اند به جواب این پرسش نزدیک شد. از نگاه تفاسیر فلسفی، عرفانی که امداد و حضور ملائکه در جهت تقویت روحی مؤمنان تبیین گردید تحقق این امر در سایر موارد با مانعی روبه‌رو نیست به‌ویژه که از این نگاه مسئله‌ای خاص و معجزه‌گون صورت نیافته است. در نگاه مفسرانی که به حضور عملی ملائکه در نبرد بدر تصریح داشتند این گونه حضور در نبردهای دیگر با نگاهی یکسان روبه‌رو نیست بلکه برخی از مفسران این گروه، به نبرد فرشتگان و حضور عملی آنها در نبردهایی دیگر تصریح داشتند که این امر نشان از امکان استمرار این امر با وجود و تحقق شرایط آن دارد. برخی نیز با تفاوت نهادن در مصداق نبردها، حضور ملائکه به گونه عملی و قتال را تنها در جنگ بدر و کیفیت امداد فرشتگان در سایر نبردها را به صورت روحی و با تقویت روحیه مؤمنان و ایجاد رعب در دل کافران می‌دانند.

## نتیجه

فرشته در جهان بینی دینی دارای چیستی و کارکرد متفاوتی از نگاه فلسفی است. این رویکرد به نقش آفرینی و جایگاه فرشتگان در هر دستگاه معرفتی وابستگی دارد. نصرت و امداد الهی به مؤمنان به‌ویژه اهل ایمانی که در نبرد فیزیکی با دشمنان خدا روبه‌رو هستند از محکامات آیات قرآنی است. اما در تبیین چگونگی تحقق یاری الهی می‌توان با توجه به آنچه گذشت، ادعا نمود: امداد الهی با فرو فرستادن و حضور ملائکه در نبردها و مقابله عملی ایشان، تعارضی با اصول حاکم بر آیات قرآنی ندارد و بدون شک گونه‌ای از امداد که به تقویت روحی مؤمنان و تضعیف انگاره‌های جبهه مقابل حق می‌انجامد باوری مستمر در عقیده مسلمانان و موافق با آیات و روایات است.

## منابع و مأخذ

### الف) کتابها

- قرآن کریم.

- آلوسی، شهاب‌الدین سید محمود، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، ۱۴۲۲ ق، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت، دار الکتب العربی.
- ابن سینا، ۱۳۲۶، تسع رسائل فی الحکمة و الطبیعیات، قاهره، دار العرب.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۶۳، المبدأ و المعاد، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۰۰ ق، رسائل ابن سینا، قم، بیدار.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۰۴ ق، التعليقات، بیروت، مکتبه الاعلام الاسلامی.
- ابن قیم جوزیه، ۱۹۹۶ م، الروح، بیروت، دار الفکر العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ج ۳.
- افضلی، علی، «مجردات از نظر فلسفه و کلام و وحی»، کتاب جشن نامه مهدی نامه، بی تا.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، فرهنگ شیعه، قم، زمزم هدایت، ج ۲.
- حسینی کفوی، ابوالبقا ایوب بن موسی، ۱۴۱۳ ق، الکلیات معجم فی المصطلحات و الفروق اللغویه، بیروت، مؤسسه رساله، ج ۲.
- حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، تفسیر نور الثقلین، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، ج ۴.
- رازی تهرانی، میرقوام الدین محمد، ۱۳۷۸، دو رساله فلسفی عین الحکمه و تعليقات، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۳.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۴، شرح اشارات و التنبیها، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

- ۱۱۶ □ فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، سال پنجم، تابستان ۹۳، ش ۱۸
- رفیق، عجم، ۲۰۰۴ م، موسوعة مصطلحات ابن خلدون و الشریف علی محمد الجرجانی، بیروت، مکتبه لبنان.
- زمخشری، محمود، ۱۴۰۷ ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التاویل، بیروت، دار الکتب العربی، ج ۳.
- سهروردی، شهاب‌الدین (شیخ اشراق)، ۱۳۷۵، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۴ ق، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی، ۱۳۷۳، تفسیر شریف لاهیجی، تحقیق میرجلال‌الدین حسینی ارموی (محدث)، تهران، دفتر نشر داد.
- صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم، ۱۳۶۳، مفاتیح الغیب، تهران، مؤسسه تحقیقات فرهنگی.
- \_\_\_\_\_، ۱۹۸۱ م، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، بیروت، دار احیاء التراث، ج ۳.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۲، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۶۳، نهایة الحکمه، تعلیق مصباح یزدی، تهران، الزهراء.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان لعلوم القرآن، تحقیق با مقدمه محمد جواد بلاغی، تهران، ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ج ۳.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ ق، کتاب التفسیر، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، چاپخانه علمیه.
- غضنفری، سید محمد، ۱۳۸۹، پایان‌نامه ویژگی‌های فرشتگان و نقش آنان در نظام آفرینش و زندگی انسان از منظر نهج‌البلاغه، تهران، دانشکده علوم حدیث.
- فراهیدی خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، کتاب العین، قم، هجرت، ج ۲.
- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵ ق، تفسیر الصافی، تحقیق حسین اعلمی، تهران، صدر، ج ۲.
- قمی علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، تفسیر قمی، تحقیق سید طیب موسوی جزایری، قم، دار الکتب، ج ۴.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۰۴ ق، تفسیر قمی، قم، مؤسسه دار الکتب.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ ق، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم‌السلام، بیروت، مؤسسه الوفاء.

- \_\_\_\_\_، ۱۴۰۴ ق، *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- محمدی، علی، ۱۳۷۸، *شرح کشف المراد*، قم، دار الفکر، ج ۴.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۸۰، *تفسیر روشن*، تهران، مرکز نشر کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- \_\_\_\_\_، *پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام*، نرم افزار مجموعه آثار آیه الله مکارم شیرازی.
- میر سید شریف، ۱۴۱۲ ق، *التعريفات*، تهران، ناصر خسرو، ج ۴.
- نصر، سید حسین، ۱۳۸۵، *سه حکیم مسلمان*، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی کتیبه، ج ۷.

#### ب) مقاله‌ها

- خزعلی، مرضیه، ۱۳۸۷، «بررسی ماهیت فرشتگان از دیدگاه ادیان الهی»، *اندیشه نوین دینی*، ش ۱۲، ص ۱۳۶ - ۱۰۵، قم، دانشگاه معارف اسلامی.
- نبویان، محمود، ۱۳۸۶، «مجرد و مادی»، *معرفت فلسفی*، ش ۱۵، ص ۱۴۰ - ۱۱۹، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه.





پښتو ښکلا ښوونځی  
پښتانه ښوونځی